

نقش یارانه در هزینه خانوار

اشاره:

یکی از ابزارهای اقتصادی رایج در کشورهای در حال توسعه، پرداخت یارانه به برخی کالاها و خدمات برای حمایت از مصرف‌کنندگان آن به ویژه اقشار کم‌درآمدی باشد.

یارانه آثار اجتماعی و سیاسی فراوانی دارد و با افزایش نقش دولت در اقتصاد، پرداخت آن بیشتر می‌شود و از آنجا که در کوتاه‌مدت رفاه مصرف‌کنندگان را در پی دارد، بخش عظیمی از جامعه را نسبت به نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور دلگرم می‌سازد.

در واقع یارانه نوعی مالیات غیرمستقیم منفی است که وجهه دولت را در میان اقشار مختلف، به خصوص صاحبان درآمد کم، بالا می‌برد. اما از دید اقتصاد آزاد، به معنای دخالت در نظام اقتصادی و عدول از روش قیمت‌گذاری براساس عرضه و تقاضا تلقی می‌شود.

معمولاً کشورهایی که از ثروت طبیعی سرشار برخوردارند، نسبت به اعطای یارانه به مردم دست‌ودلبازی نشان می‌دهند. این امر اگرچه از دید مصرف‌کنندگان خوشایند است، اما فرصت استفاده از منابع اختصاص یافته به یارانه در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را از بین می‌برد.

دولت‌ها با پرداخت یارانه، بر نظام قیمت‌گذاری به نفع مصرف‌کنندگان کم‌درآمد، مداخله می‌کنند تا با فشار تورم و کمبودهای احتمالی مقابله کنند.

پرداخت یارانه تا هنگامی که دولت‌ها از درآمد سرشار برخوردارند، روز به روز افزایش می‌یابد و در مقابل هنگام کاهش درآمد دولت، سیر نزولی طی می‌کند. با این حال «یارانه» به عنوان بخشی از هزینه‌های غیرقابل برگشت دولت تلقی می‌گردد و حذف آن اگرچه وضع درآمدهای دولت را بهبود می‌بخشد، اما واکنش‌های اجتماعی متفاوتی را نیز می‌تواند به همراه داشته باشد.

در این مقاله، به بررسی موقعیت یارانه در اقتصاد ایران، سهم یارانه در هزینه‌های خانوار، حذف یارانه و آثار اقتصادی - اجتماعی آن و شیوه‌های حذف آن و به‌کارگیری ابزارهای مناسب برای جبران زیان‌های ناشی از این اقدام به‌ویژه بر قشر آسیب‌پذیر می‌پردازیم.

یارانه چیست و چرا پرداخت می‌شود؟
در یک بیان ساده، به یک مفهومی تفاوت قیمت تمام‌شده (قیمت واقعی بازار) با قیمت ارایه‌شده کالا از سوی دولت، یارانه نام دارد.

یارانه یکی از عام‌ترین و بحث‌انگیزترین مفاهیم اقتصادی است که با سرنوشت معیشتی مردم ارتباط دارد. یارانه یک ابزار اقتصادی است که کاربرد آن آثار منفی یا مثبت می‌تواند به‌جا گذارد. در واقع یارانه یکی از ابزارهای مهم سیاست مالی دولت است، زیرا همچون نرخ مالیات و هزینه‌های دولت انعطاف‌پذیر و برونزا است و با نوسان آن دولت می‌تواند اهداف اقتصادی خود به‌ویژه برای کارایی مطلوب اقتصادی را محقق سازد.

○ یارانه آثار اجتماعی و سیاسی فراوانی دارد و با افزایش نقش دولت در اقتصاد، میزان اعطای آن افزایش می‌یابد.

از آنجا که یارانه آثاری عکس مالیات دارد، گاهی بدان مالیات منفی نیز اطلاق می‌شود. پرداخت یارانه با نقش دولت در اقتصاد رابطه مستقیم دارد. هر اندازه که دولت خود را درگیر فعالیت‌های اقتصادی می‌کند، پرداخت یارانه نیز به‌منظور حمایت از اقشار کم‌درآمد افزایش می‌یابد. با این وجود، در نظام اقتصاد آزاد که نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی تا حد ممکن تنزل می‌یابد و بخش خصوصی چرخ‌های اقتصادی را به‌گردش درمی‌آورد، پرداخت یارانه بسیار محدود صورت می‌گیرد.

با توجه به نقش دولت در نظام‌های اقتصادهای کنونی، هدف‌های عمده دولت

در سه بخش تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع مناسب درآمد (یا توزیع عادلانه درآمد) متمرکز می‌گردد.

در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، تخصیص منابع به‌صورت برنامه‌ریزی متمرکز از سوی دولت، انجام نمی‌شود و تقسیم کار به‌صورت تولید کالاهای عمومی از سوی دولت و دیگر کالاها از سوی بخش خصوصی انجام می‌گیرد. البته دولت وظیفه خود می‌داند که با ابزارهای اقتصادی مانند مالیات و یارانه به تخصیص منابع به‌صورت بهینه بین بخش خصوصی و عمومی اقدام کند.

○ در کشورهایی که درآمدی سرشار از منابع طبیعی برای دولت مهیا می‌شود، تمایل به پرداخت یارانه بیشتر شده اما این امر از میزان تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی می‌کاهد.

گفتنی است که در اقتصاد آزاد، دولت وظیفه تولید و توزیع آن گروه کالاهایی که بخش خصوصی رغبت به آن ندارند را برعهده می‌گیرد و این کالاها را کالاهای عمومی می‌نامند.

در این‌گونه کالاها امکان جدا نمودن منافع کالا و یا خدمات میان مصرف‌کنندگان آن وجود ندارد و لذا قیمت‌گذاری آن دشوار و گاه غیرممکن است مانند دفاع ملی. از دیگر خصیصه‌های این نوع کالاها هزینه ثابت سنگین و هزینه متغیر نسبتاً کمتر آن می‌باشد. بخش خصوصی معمولاً تمایلی برای ارایه این کالاها ندارد و به همین جهت وظیفه تولید و تدارک و توزیع آن برعهده دولت است. دولت نیز با دریافت مالیات، هزینه تولید کالاهای عمومی را

به‌طور طبیعی تأمین می‌کند.

چنانچه دولت در قبال تهیه و توزیع کالاهای عمومی، هیچ قیمتی دریافت نکند، این هزینه‌ها را «یارانه کامل» می‌گویند. به‌طور کلی با افزایش شمار مصرف‌کنندگان کالاهای عمومی و در نتیجه رشد هزینه تولید آنها، دولت مجبور می‌شود که بخشی از هزینه را از مصرف‌کنندگان دریافت کند و در واقع قیمت تعیین می‌کند. بخش خصوصی غالباً به تولید کالاهایی که قیمت آن در بازار، بدون دخالت دولت و بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، رغبت نشان می‌دهد.

در تخصیص بهینه منابع، بازار نمی‌تواند مسؤلیت خود را به‌طور صحیح به‌انجام رساند و در این صورت دولت به‌منظور بهینه‌سازی تخصیص منابع وارد عمل می‌شود. اگر دولت تمایل به افزایش عرضه کالا یا خدمتی داشته باشد و یا زمانی که در بازار انحصار تولید (توسط یک یا چند تولیدکننده) به‌وجود آید و یا هنگامی که فعالیت بنگاه‌های اقتصادی پیامدهای مثبت یا منفی که هزینه اجتماعی در پی داشته باشد، به‌وجود آورد، دولت به‌منظور تخصیص بهینه منابع، در بازار دخالت می‌کند.

○ دولت‌ها از پرداخت یارانه سه هدف عمده تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع مناسب درآمد را دنبال می‌کنند.

در کشورهای درحال توسعه شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی، دولت را به افزایش مسؤلیت مجبور می‌سازد. پرداخت یارانه به‌منظور حمایت از تولیدکننده و یا مصرف‌کننده در شرایطی که

بخش خصوصی میزان تولید را پایین تر از سطح بهینه ندارد نیز از سوی دولت صورت می‌گیرد. در این مواقع هدف دولت افزایش تولید کالای موردنظر می‌باشد که پرداخت یارانه بدان منظور انجام می‌شود.

دستیابی به ثبات اقتصادی از اهداف مهم برای دولت می‌باشد. ثبات اقتصادی به ایجاد شرایط اشتغال کامل و حفظ سطح مناسب قیمت‌ها کمک می‌کند.

دولت برای دستیابی به ثبات اقتصادی در کنار تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی و ایجاد توازن در عرضه و تقاضای کل، به ابزار سیاست‌های پولی و مالی متوسل می‌شود و تثبیت‌کنندگان خودکار در اقتصاد که عبارتست از مالیات بردرآمد و پرداخت‌های انتقالی را مدنظر قرار می‌دهد. از این رو «یارانه» در جهت ثبات اقتصادی نقش خود را ایفا می‌کند.

یکی از عوارض سیاست‌های تثبیت و تعدیل اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، بروز فشارهای تورمی است. صرف‌نظر از علل پیدایش تورم، این پدیده شوم، آثار سویی بر اقشار کم‌درآمد و کاهش قدرت خرید این گروه به‌جای می‌گذارد. دولت به‌منظور مقابله با فشارهای تورمی، از ابزار «یارانه» بهره می‌گیرد تا کالاهای ضروری را با قیمت مناسب در اختیار اقشار مختلف و به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد قرار دهد.

اما این روند در درازمدت نمی‌تواند ادامه یابد، زیرا از یک جهت هزینه بالایی برای دولت به‌وجود می‌آورد که با رشد جمعیت روزبه‌روز سنگین‌تر می‌شود و از جهت دیگر بر ظرفیت تولید این کالاها اثر می‌گذارد. اگرچه پرداخت یارانه به‌منظور ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای کالا صورت می‌گیرد، اما در نظام مبتنی بر بازار، عدم تعادل میان عرضه و تقاضا، سبب

فعال شدن بازار، سرمایه‌گذاری به‌منظور افزایش تولید و سرانجام پویایی نیروهای فعال در بازار می‌شود که پرداخت یارانه از این حرکت مناسب، جلوگیری می‌کند.

البته در شرایطی که انحصارگران در بازار بخواهند مصرف‌کنندگان را با کمبود مصنوعی کالا، تحت فشار قرار دهند به‌ویژه هنگام بروز شرایط اضطراری نظیر جنگ، پرداخت یارانه قابل توجیه است.

○ پرداخت یارانه در هنگام اجرای سیاست‌های تعدیل ساختار اقتصادی به‌منظور کاهش بار تورم بر اقشار آسیب‌پذیر، افزایش می‌یابد، اما این امر هزینه‌های جاری دولت را افزایش داده و در صورت عدم افزایش درآمدهای مالیاتی بر سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی اثر منفی می‌گذارد.

از دید کارشناسان اقتصادی، یارانه و پرداخت‌های انتقالی، ابزاری در جهت توزیع مجدد درآمدها تلقی می‌شود که به عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد کمک می‌کند. اما اگر اعطای یارانه نه‌فقط گروه‌های نیازمند بلکه همه اقشار را شامل می‌شود، این یارانه هدفمند نیست و فقط بار سنگینی بر هزینه‌های عمومی تحمیل می‌کند و از سرمایه‌گذاری منابع در فعالیت‌های اقتصادی زیربنایی یا مولد جلوگیری می‌نماید که به زیان اقتصاد ملی است.

سابقه یارانه در ایران

پرداخت یارانه در ایران در دوره صفویه با تخفیف‌های مالیاتی و در دوران قاجار با اعطای بذر و مساعده به کشاورزان مستأجر دولت شکل گرفت و با دخالت مستقیم

دولت در عرضه و تقاضا از سال ۱۳۱۱ با تصویب قانونی جهت تأسیس سیلو در تهران به‌منظور خرید و ذخیره گندم توسط سازمان غله به‌منظور مقابله با کمبودهای احتمالی استمرار یافت.

در سال ۱۳۱۵ نیز به جهت وضعیت مناسب آب و هوایی، تولید گندم از سطح موردنیاز کشور فزونی گرفت و قیمت آن سیر نزولی پیدا کرد. در آن هنگام دولت وقت به‌منظور حمایت از کشاورزان، گندم را با قیمتی بالاتر از قیمت بازار از کشاورزان خریداری کرد و برای مصرف‌کنندگان کم‌درآمد شهری، نان ارزان عرضه کرد. ادامه چنین اقدامی سبب شد که مالکان عمده، گندم را به صورت عمده به دولت بفروشند، البته نوع گندم مرغوب وارد بازار می‌شد.

اولین نظام سهمیه‌بندی همراه با اعطای یارانه در ایران در هنگام جنگ جهانی برقرار شد و نان به‌عنوان مهمترین کالای مصرفی سهمیه‌بندی گردید.

سابقه پرداخت یارانه به مفهوم امروزی نیز به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد که در این زمان برای گوشت و گندم اعطا می‌شد، البته رقم آن قابل توجه نبود.

کل میزان پرداخت یارانه توسط دولت بابت خرید و فروش کالاهای اساسی تا سال ۱۳۵۱ به ۱۶۶۸ میلیون ریال رسید، اما با افزایش قیمت نفت و در نتیجه درآمد دولت در سال ۱۳۵۴ پرداخت یارانه به ۱۲۴۶/۸ میلیارد ریال (یعنی ۷۴۸ برابر) رسید.

با افزایش حجم عملیات جاری و عمرانی دولت در اثر افزایش درآمد نفتی، درآمد افراد نیز به‌سرعت ترقی کرد و تقاضا برای کالاهای مصرفی زیاد شد. از آنجا که توان تولید داخلی تکافوی تقاضا را نمی‌کرد، به‌منظور ایجاد توازن، دولت

مبادرت به واردات کالاهای مصرفی در سطح وسیع کرد و تفاوت میان قیمت‌های بین‌المللی کالاهای وارداتی و بازار داخلی را به صورت پرداخت یارانه متقبل شد.

میزان واردات کالاها در سال ۱۳۵۳ به دو برابر سال پیش از آن رسید و افزایش بهای کالاهای وارداتی، تأثیر تورمی خود را در بازار داخلی نشان داد. رشد شاخص بهای کالاهای مصرفی از ۵/۳ درصد در سال ۱۳۵۰ و ۶/۳ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۱۱ و ۱۵ درصد در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ رسید. البته دولت وقت مبادرت به کنترل قیمت‌ها برای مبارزه با تورم نمود و به منظور تمرکز امور مربوط به پرداخت یارانه، صندوق حمایت از مصرف‌کننده را تأسیس کرد. این صندوق در برابر نوسان قیمت‌ها، تغییر در هزینه تولید در بازارهای خارجی داخلی از مصرف‌کنندگان حمایت می‌کرد. این صندوق یارانه را به کالاهایی از قبیل قند و شکر، روغن نباتی، گندم، برنج، جو، ذرت و سیمان اختصاص داد.

رژیم گذشته، تلاش‌هایی را برای مبارزه با گرانی‌فروشی به طور مصنوعی به معرض نمایش نهاد و با تصویب قانون تأسیس سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۵۶، به ظاهر تلاش در مبارزه با گرانی‌فروشی و حمایت از مصرف‌کنندگان را نشان داد. اما به ریشه‌های اصلی تورم که فقدان زیربنای مناسب اقتصادی برای رشد تولید بود، توجهی نداشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تشکیلات اجرایی و نحوه توزیع کالاهای دارای یارانه، تغییراتی به وجود آمد. به موجب مصوبات شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با مرکز بررسی قیمت‌ها ادغام شد و سازمان حمایت تشکیل گردید.

فعالیت این سازمان در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ بسیار محدود بود و قیمت‌گذاری کالاها بیشتر توسط ستاد بسیج اقتصادی و دادگاه‌های نظام صنفی و کمیته امور صنفی انجام می‌شد.

بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۵۸ به میزان ۱۱/۴ درصد و در سال ۱۳۵۹ به میزان ۲/۵ درصد افزایش یافت.

○ میزان پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی از ۱۶۶۸ میلیون ریال در سال ۵۱، با افزایش قیمت نفت و درآمد دولت وقت به ۱۲۴۸/۸ میلیارد ریال در سال ۵۴ ترقی کرد.

با بروز تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عرضه کالاها (اعم از تولیدات داخلی و وارداتی) با تنگنای ویژه‌ای روبه‌رو شد که عمدتاً از محاصره اقتصادی نشأت می‌گرفت.

از سال ۱۳۶۰ سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به امر قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی و نیز تولیدات داخلی ضروری مبادرت ورزید.

با وجود جنگ و درگیری کشور و نظام اقتصادی با حجم نامناسب نقدینگی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، فشارهای داخلی و خارجی و ... در سال‌های نخست دهه ۶۰ با طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و پرداخت یارانه و نظارت بر توزیع و قیمت کالاها از سوی دولت، شتاب تورم مهار شد. با این حال سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی در اواسط دهه ۶۰، درآمد دولت را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با افزایش نقدینگی و کسری بودجه دولت، حتی اعمال پاره‌ای از سیاست‌ها مانند مجوز قانونی فروش واریزنامه پیمان ارزی، فروش ارزی و ریالی برای برخی تولیدات

داخلی و ... نتوانست مانع از افزایش سریع قیمت‌ها گردد.

○ در برنامه اول دولت به منظور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ۵۶۵۱/۴ میلیارد ریال (معادل ۱۱/۵ درصد کل بودجه برنامه) یارانه پرداخت کرد. سهم یارانه‌ها و دیگر کمک‌های دولتی در سال ۱۳۷۳ به ۲۱ درصد کل بودجه دولت رسید.

در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ بهای بسیاری از کالاهای تولید داخلی ۲ تا ۳ برابر افزایش یافت. به طور کلی اهداف دولت از پرداخت یارانه را می‌توان در حمایت از مصرف‌کنندگان به خصوص اقشار کم‌درآمد، حمایت از تولیدکنندگان و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و سودآوری آن و کمک به کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و مبارزه با تورم خلاصه نمود.

بررسی اقتصادی یارانه در ایران

بر اساس گزارش رییس جمهوری به مجلس شورای اسلامی، دولت در برنامه اول برای دستیابی به تعادل‌های اقتصادی و حرکت به سمت اقتصادی توسعه یافته و کاهش سهم دولت در فعالیت‌های اقتصادی، در اجرای سیاست‌های تعدیل، اصل تدریج و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را در دوران انتقال از اقتصاد متمرکز به اقتصاد غیرمتمرکز مورد توجه قرار داده و در نتیجه همواره بخش قابل توجهی از منابع مالی کشور را به تأمین مایحتاج اساسی و پرداخت انواع یارانه‌ها و دیگر حمایت‌های دولتی اختصاص داده است. در طول برنامه اول مبلغ ۵۶۵۱/۴ میلیارد ریال که معادل ۱۱/۵ درصد کل بودجه برنامه بود،

به صورت مستقیم به امر یارانه و حمایت‌های دولتی اختصاص یافت. بخش عمده یارانه پرداخت شده و کمک‌های بلاعوض به صورت ارز با قیمت‌های دولتی برای واردات کالاهای اساسی و دارو بوده و در واقع ارزش اقتصادی یارانه‌های پرداختی به مراتب از رقم فوق بالاتر بود. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۳، سهم یارانه‌ها و دیگر کمک‌های دولتی در کل بودجه به ۲۱ درصد رسید.

در بودجه سال جاری مبلغ یک میلیارد و ۴۶۱ میلیون دلار برای واردات کالاهای اساسی مانند گندم، برنج، روغن نباتی خام و شکر اختصاص یافته است تا به صورت کوبین‌های عادی و تعادلی میان مردم توزیع شود. اگر چه کوبین‌های عادی با نرخ هر دلار ۷۰ ریال محاسبه می‌شود، چنانچه کل هزینه واردات کالاهای اساسی را به نرخ شناور (هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال) تبدیل نماییم بیش از ۲۵۵۶/۷۵ میلیارد ریال هزینه خواهد شد، در حالی که فروش دولتی این اقلام به همین میزان نخواهد بود. اگر نرخ واقعی ارز را که هر دلار حدود ۴۰۰۰ ریال تخمین زده می‌شود وارد این محاسبه کنیم، یارانه واقعی پرداختی به مصرف‌کنندگان ۲/۳ برابر رقم قبلی و اگر نرخ صادراتی را اعمال کنیم، رقم پرداختی یارانه ۱/۷ برابر خواهد شد. یارانه‌ای که دولت بابت تأمین نان به مردم اعطا می‌کند سالانه ۴۸۶۰ میلیارد ریال می‌باشد، در همین حال یارانه انرژی نیز ۱۱/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

چنانچه این مجموعه را در نظر بگیریم، سهم عمده‌ای از هزینه‌های دولت را پرداخت یارانه‌ها تشکیل می‌دهد. اگرچه اعطای این یارانه‌ها، دسترسی اقشار آسیب‌پذیر را به کالاهای اساسی ممکن ساخته است، اما فقط در میان کالاهای

اساسی، روغن نباتی در حد الگوی تغذیه مناسب توزیع می‌شود و دیگر کالاها کمتر از میزان مورد نیاز افراد است.

با توجه به آنکه هزینه خانوار ماهانه حدود ۹۰۰ هزار ریال برآورد می‌شود، با حذف یارانه‌ها و دو برابر ساختن درآمد خانوارها نسبت به سال ۷۳، تقریباً الگوی تغذیه مناسب و دسترسی به دیگر کالاهای غیراساسی نیز برای خانوار میسر خواهد شد.

○ با حذف یارانه انرژی و کالاهای اساسی و توزیع مساوی آن بین خانوارها تقریباً ۲۵ درصد کسری درآمد خانوار تأمین می‌شود، چنانچه سیستم مالیاتی از کارایی مناسبی برخوردار شود، میزان اعطای دستمزدها و نیز پرداخت‌های انتقالی دولت تا حد قابل قبولی افزایش خواهد یافت و در واقع حذف یارانه اثر اقتصادی چندانی بر خانوارها نخواهد داشت، هر چند که آثار روانی آن قابل اغماض نیست.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران متوسط هزینه خانوار در سال ۷۳ یا ۲۵ درصد افزایش نسبت به سال ۷۲ به ۵/۱ میلیون ریال (ماهانه حدود ۴۲۵۰۰۰ ریال) و متوسط درآمد سالانه خانوار در همین مدت با ۵۰ درصد افزایش به ۵/۴ میلیون ریال (ماهانه حدود ۴۵۰۰۰۰ ریال) رسید.

حتی اگر هزینه‌های خانوار در حال حاضر دو برابر سال ۷۳ فرض شود، با کسب درآمد ماهانه حداقل به میزان ۹۰۰ هزار ریال، خانوارها می‌توانند از الگوی مناسب مصرف برخوردار شوند. چنانچه دولت بخواهد پرداخت یارانه را قطع کند، تنها در سال جاری از قطع یارانه کالاهای

اساسی می‌تواند ۵۸۰۰ میلیارد ریال در هزینه‌ها صرفه‌جویی کند.

با توجه به جمعیت ۶۰ میلیون نفری کشور و احتساب بعد خانوار به میزان ۵ نفر، ۱۲ میلیون خانوار در کشور زندگی می‌کنند که توزیع یارانه کالاهای اساسی بین این خانوارها (حتی به صورت مساوی و بدون اعمال هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی)، درآمدی معادل ۴۸۳۰۰۰ ریال نصیب آنها خواهد ساخت. حذف یارانه انرژی (به میزان ۱۱/۵ میلیارد دلار) و توزیع آن میان خانوارها نیز سالانه حدود ۹۵۸ دلار (معادل ۲۸۷۴۰۰۰ ریال برابر با ماهانه ۲۳۸۰۰۰ ریال) برای خانوار درآمد ایجاد می‌کند. جمع این دو گروه یارانه و توزیع همگانی آن ماهانه ۲۷۸۲۵۰ ریال بر درآمد خانوار می‌افزاید که این رقم معادل ۵۰ درصد کسری بودجه خانوار می‌باشد.

چنانچه دولت در سیستم یک‌نرخ ارز حتی با نرخ ارز صادراتی درآمد حاصل از نفت را به متقاضیان ارز واگذار کند، میزان دریافتی در حد قابل توجهی افزایش خواهد یافت که امکان افزایش پرداخت‌های انتقالی و دستمزد کارکنان دولت تا سطح ۵۰ درصد را میسر می‌سازد.

با این وصف بررسی‌های اقتصادی حاکی از آن است که حذف یارانه آنچنان که آثار روحی و روانی بر خانوارها دارد، از بعد اقتصادی با اتخاذ سیستم پرداخت مناسب اثر چندانی بر درآمد خانوار نخواهد داشت.

حذف یارانه از سوی دیگر محاسبات اقتصادی و برآورد و توجیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را ممکن می‌سازد و از این جهت، اقدام مناسبی است.

با این حال اکثر دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از حذف یارانه وحشت دارند و از بروز تنش‌های اجتماعی

دارد.

یارانه ابزاری است که دولت به منظور مبارزه با تورم و تأثیر آن بر اقشار کم‌درآمد، به کار می‌گیرد تا کالاهای ضروری با قیمت مناسب در اختیار افراد کم‌درآمد قرار گیرد. اما این روند در بلندمدت نمی‌تواند استمرار یابد زیرا هزینه سنگینی بر بودجه عمومی تحمیل می‌کند و چنانچه درآمدهای مالیاتی نتواند پرداخت یارانه را تأمین مالی و جبران کند، مانع از سرمایه‌گذاری دولت در پروژه‌های عمرانی و دستیابی به رشد پایدار اقتصادی می‌شود.



پرداخت یارانه کالاهای اساسی (به میزان ۵۸۰۰ میلیارد ریال) و یارانه انرژی (به میزان ۱۱/۵ میلیارد دلار) هزینه سنگینی به دولت تحمیل می‌کند. در صورت حذف این دو یارانه و توزیع یکنواخت آن میان خانوارها، درآمد خانوار ماهانه حدود ۲۸۰ هزار ریال افزایش می‌یابد. اگر هزینه خانوار را ماهانه ۹۰۰ هزار ریال و متوسط درآمد آن را در سطح سال ۷۳ به میزان ماهانه ۴۵۰ هزار ریال محاسبه نماییم، عدم پرداخت یارانه و توزیع آن میان همه گروه‌ها تقریباً ۵۰ درصد کسری درآمد خانوار را تأمین می‌کند. چنانچه سیستم مالیاتی با کارایی بهتری فعال شود و درآمدهای مالیاتی دولت دو برابر شود، بخش دیگری از کسری درآمد خانوار قابل جبران است.

با این وجود چنانچه تمایل به پرداخت یارانه وجود داشته باشد، ضرورت دارد این یارانه هدف‌مند باشد و به اقشار کم‌درآمد و مستضعف پرداخت گردد. یارانه به صورت نقدی یا غیرنقدی می‌تواند میان مستمندان توزیع گردد و ضرورتی ندارد که همه افراد جامعه به یکسان از یارانه برخوردار شوند.

به اهداف موردنظر برای پرداخت یارانه (مثلاً بهبود الگوی تغذیه یا بهداشت و آموزش عمومی) دسترسی ممکن گردد.

ماحصل کلام:

پرداخت یارانه برای برخی از کالاها و خدمات موردنیاز اقشار آسیب‌پذیر، موردنظر اکثر دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه می‌باشد. یارانه آثار اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای دارد و به جلب اعتماد و حمایت اقشار کم‌درآمد از دولت کمک می‌کند.

هر اندازه که درآمد دولت‌ها افزایش یابد، دامنه پرداخت یارانه می‌تواند گسترش یابد به‌خصوص در شرایط حساس مانند جنگ و... دولت در اعطای یارانه برای حمایت از اقشار کم‌درآمد اهتمام بیشتری دارد.

در نظام اقتصاد آزاد که نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی تا حد ممکن کاهش می‌یابد، پرداخت یارانه نیز بسیار محدود می‌باشد.

به‌طور کلی دولت از پرداخت یارانه سه هدف عمده تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع مناسب درآمد را مدنظر

در اثر این اقدام نگران هستند.

در مقابل حذف یارانه، انتخاب و اعمال یک نظام مالیاتی دقیق که فرارهای مالیاتی افراد پردرآمد را سد کند، ضرورت دارد. از این راه دولت می‌تواند منابع درآمد خود را تقویت کند و در پرداخت‌های انتقالی و افزایش حقوق دستمزدبگیران تسهیلاتی به‌وجود آورد. در همین حال نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها نیز ضروری است.

متأسفانه در نظام کنونی پرداخت یارانه، اقشار آسیب‌پذیر و جمعیت شهری و روستایی به‌طور مناسب از آن برخوردار نمی‌شوند، زیرا یارانه پرداختی هدف‌مند نیست و اکثر افراد پردرآمد را نیز دربرمی‌گیرد. این امر در یارانه انرژی به‌وضوح قابل مشاهده است.

چنانچه دولت تمایل داشته باشد از طریق پرداخت یارانه، اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد را مورد حمایت قرار دهد، باید این گروه شناسایی شود و پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی به‌گونه‌ای که قابل مبادله در بازار یا تخصیص آن به مواردی غیر از مورد اصلی (مثلاً تغذیه بهتر) نباشد، انجام گیرد. در غیر این صورت نمی‌توان امیدوار بود که